



انتشار برادر به مناسبت ۱۷ شهریور

فیلم کوتاه «برادر» به کارگردانی مهدیه محمدی همزمان با سالروز قیام هفدهم شهریور برای نخستین بار منتشر شد. تهیه‌کنندگی این اثر که از محصولات کوتاه باشگاه فیلم سوره است، برعهده محدثه پیرهادی بوده و فیلم داستانی درباره حوادث مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی و درگیری مردم با نیروهای رژیم شاهنشاهی دارد. این فیلم کوتاه محصول سال ۹۷ و بر اساس فیلمنامه‌ای از یاسین پورعزیزی جلوی دروین رفته است. / مهر



انتشار کتابی درباره دعبل خزاعی

کتاب «زندگی سیاسی دعبل خزاعی و بررسی گزیده اشعارش» به قلم محمدجواد گودینی توسط انتشارات میراث ماندگار منتشر شد. این کتاب در دو فصل تدوین شده و نویسنده در فصل نخست به بررسی زندگانی پرماجرایی دعبل بن علی بن زرین خزاعی، از سرایندگان نامدار تشیع در عصر عباسی اول می‌پردازد. نویسنده برای تألیف این کتاب از ۷۶ منبع فارسی و عربی (عمدتاًعربی) بهره جسته و توانسته روایت کاملی از زندگی سیاسی این شاعر پراوازه را به مخاطبان جوان ارائه دهد. / مهر

گفت و گو با صدیقه محمدی، همسر احمد شاه مسعود در سالروز شهادت این قهرمان ملی افغانستان

یک عاشقانه ناآرام



زینب مرتضایی‌فرد

دبیر فرهنگ و هنر

❖ شما که به دنیا آمدید! افغانستان درگیر جنگ بوده؟

بله.

❖ وازدواج کردید.با هم جنگ بوده؟

باز هم بله. در جنگ به دنیا آمدم، در جنگ زندگی کردم، در جنگ پیر شدم اما هنوز هم امیدوارم به این که بالاخره صلح بیاید و ما عمیق‌تر لبخند بزنیم.

❖ جنگ تجربه خوبی نیست. اگر بخواهید درباره‌اش حرف بزنید چه می‌گویید؟

آدم دلش نمی‌خواهد وسط جنگ باشد، اما وقتی جنگی به وطن آدم تحمیل‌شده باید ایستاد و مبارزه کرد. ما در این جنگ بودیم و پیر شدیم، جنگی که نمی‌شد رهایش کرد. باید می‌ایستادیم و ایستادیم. ما جنگ را نمی‌خواستیم و نمی‌خواهیم اما وقتی آمده نمی‌شود کاری کرد. شوهرم همیشه از جنگ خسته بود و مبارزه می‌کرد. حالا هم که در کشورمان حرف صلح است دلخوشیم و منتظر که الهی صلح بیاید و ماندگار شود. می‌دانید از طرف فامیل مادری و پدری‌ام بیشتر از ۵۰ شهید داده‌ایم، این یعنی ۵۰ مادر داغدار که هیچ‌وقت بچه‌هاشان برنمی‌گردند. ... نه فقط ما، تمام هموطن‌های ما به خاطر جنگ بچه‌ها و عزیزانی دارند که هیچ‌وقت برنگشته‌اند.

❖ وقتی ازدواج کردید همسران درگیر مبارزه بود؟

من به دنیا نیامده بودم که او درگیر مبارزه بوده. من زمان حکومت داوودخان به دنیا آمدم که همسرم مشغول مبارزه بوده و بعد هم علیه دولت خلقی مبارزه می‌کرده (اشاره به حضور شوروی در افغانستان) یعنی سال‌ها بود که به خاطر کشورش می‌جنگید. بعد هم این مبارزه‌ها تا پایان عمرش ادامه پیدا کرد.

❖ بعد از ازدواج بیشتر درگیر جنگ شدید. احمد شاه مسعود مبارز و قهرمان شد؛ همسران. نمی‌شد مثل همه زن‌ها یک زندگی عاشقانه‌عادی را در ذهن تان تصور کنید. این خیلی سخت نیست؟

هست اما پشیمان نیستم از این که با همسرم زندگی کردم و مبارزه کردم. افتخار می‌کنم به این که در کنارش بودم و برای کشورمان مبارزه کردیم.

❖ هیچ وقت دل تان یک زندگی عادی، مثلاً داشتن یک همسر یا شغلی ساده و آرامش بیشتر نخواست؟

نه. بودن کنار یک مبارز سخت است اما افتخار دارد. مگر این افتخار نصیب چند زن در جهان می‌شود؟ تا زنده‌ام راضی‌ام و خدا را شکر می‌کنم که همراه همسرم بودم. پشیمانی برای آدمی است که در زندگی‌اش هدف ندارد. من هدف داشتم و هرگز پشیمان نشدم. شاید اگر هدفی نداشتم در دلم می‌گفتم راهی که رفته‌ام اشتباه است و این پشیمانی را به زبان هم می‌آوردم. اما ایمان دارم مسیری که که همسرم رفت با هدف درستی بوده و من هم در پی او حرکت کرده‌ام. ما همه دنبال هدفی بودیم و همیشه هم روحیه خوبی داشتیم. خوشحال و راضی همراه همسرم بودم و این را همیشه هم گفته‌ام. ما و شما مسلمان هستیم و ایمان داریم شهدا زنده هستند، جایگاه عالی دارند، از ما جلوتر هستند و ما از پی آنها حرکت می‌کنیم. برای همین باز هم تأکید می‌کنم تا زمانی که هستم پشیمان که نیستم هیچ، افتخار هم می‌کنم به این که همراه یک قهرمان زندگی کرده‌ام.

❖ فرزندان شما چگونه و هیچ وقت دل‌شان نخواست به یک پدر معمولی و زندگی عادی داشته باشند؟

فرزندانم احساس غرور هم می‌کنند. پسرم (احمد مسعود) سعی دارد که راه پدرش را در افغانستان پیش ببرد و در این راه مبارزات خود را آغاز کرده. دخترهایم نیز با این که درحال حاضر در جامعه افغانستان و مبارزات نقش فعالی ندارند، تحصیلات خود را پیش می‌برند و در آینده نزدیک در کنار برادرشان در این راه قدم برمی‌دارند. همه فرزندانم علیه جنگی که خانمان‌سوز است کنار مردم می‌ایستند. به امید روزی که صلح و آرامش به لطف خدا بیاید، که هدف پدرشان که صلح بود برقرار شود و روزهای بهتر از راه برسد.

❖ لحظه‌ای که خبر شهادت همسران را شنیدید، به یاد دارید؟

یادم است؟ (با حالت تعجب و حیرت) مگر می‌شود یاد نباشد. مگر می‌شود یادم برود. خداوند بزرگ به هیچ کس چنین چیزی را نشان ندهد. یک لحظه چشمتان را ببندید و تصور کنید... فکر می‌کردم خوابم و نه بیدار... یک لحظه بی‌نهایت سخت که هیچ وقت یادم نمی‌رود. زمانی که ایشان زنده بود هیچ وقت فکرش را نمی‌کردم روزی بیاید که او زنده نباشد. خودم می‌دانستم شوهرم مبارز است و مرد جهاد، بسیار دشمن دارد و ممکن است هر اتفاقی بیفتد برایش، اما هیچ وقت نمی‌خواستم به نبودنش فکر کنم، نه به خاطر خودم که همسرش بودم، نه به خاطر بچه‌هایم، به خاطر مردم... به خاطر این که می‌دانستم زنده بودنش برای جامعه اسلامی هم مهم است. گاهی نام کوچکم را به زبان می‌آورد و می‌گفت اگر روزی من شهید شدم تو چه می‌کنی؟ به او می‌گفتم این حرف را ننز. نه فقط من و بچه‌ها و فامیل... مساله ما نیستیم، این است که تمام افغانستان به تو نیاز دارد. من می‌توانم با هر سختی‌ای از پس خودم و زندگی برآیم اما ملت را چه کنم. مردم به تو نیاز دارند و باید زنده باشی. حالا فکر کنید وقتی خبر را شنیدم چه حالی داشتم... اصلاً مگر می‌شود به زبان بیاورم حال آن لحظه‌ها را... نمی‌دانم... فقط می‌گویم نمی‌دانم... شاید اگر مسلمان نبودم و به خاطر بچه‌ها نبود خودم را می‌کشتم، تصور دنیا بدون همسرم برایم خیلی سخت بود. خلاصه که اگر الان زنده‌ام به خاطر مسلمان بودنم است و بچه‌هایم. من تنها این حال را نداشتم، یکی از برادرهایم وقتی شنید چه شده، می‌خواست خودش را ببندازد در یک استخری که توی پنجشیر داریم. می‌گفت من دیگر زندگی به دردم نمی‌خورد. حالا ببینید برادرم که این حال را داشته، من چه حالی داشته‌ام.

❖ قبول دارم که همه احمدشاه مسعود را دوست دارند، اما ایشان منتقد هم کم ندارند، خیلی‌ها درباره‌اش نکاتی را می‌گویند یا دوستش ندارند. شما با این افراد روبه‌رو شده‌اید؟

من تا به حال هر کسی را که دیده‌ام و با او

حرف زده‌ام همسرم را دوست داشته.

❖ حالا اگر بایکی روبه‌رو شوید که دوستش نداشته باشد چه؟ ناراحت می‌شوید؟ عصبانی می‌شوید؟ اصلاً چه جوابی برای این موضوع دارید؟

یک انسان مبارز همیشه هم دوست زیاد دارد و هم دشمن. ۱۴۰۰ سال از بعثت پیامبران می‌گذرد و می‌بینیم او که برگزیده خداست هم موافق دارد و هم مخالف، هم دوست دارد و هم دشمن. ما نمی‌توانیم بگوییم یک انسان مبارز که علیه قشون سرخ مبارزه کرده تا طالب و القاعده را باید همه دوست داشته باشند. طبیعی است یک سری دشمن داشته باشد و یک سری هم دوست، به نظر من دوستانش خیلی بیشتر از دشمنانش هستند. اما نکته مهم این است که همین دشمن‌ها هم برایش احترام قائل هستند و می‌دانند با یک مرد بزرگ و مبارز واقعی روبه‌رو بوده‌اند. اما باز هم می‌گویم مطمئنم اگر دشمنی هم داشته‌باشد تعدادشان کم است، هر کسی احمد شاه مسعود را می‌شناخته حتی اگر دشمن ایشان بوده باز هم به احترام او ایشان یاد می‌کند.

❖ شما در ایران زندگی می‌کنید؟

نه. در رفت و آمدم. بچه‌هایم جاهای مختلفی هستند و درس می‌خوانند، گاهی

افغانستانم، گاهی ایرانم، گاهی مصر و گاهی لندن...

❖ پس جهانگردی می‌کنید.

جهانگردی که نه... ما افغان‌ها سال‌هاست داغ‌دیده و مهاجریم. هیچ جایی سکونت واقعی نداریم، چون از وطن دوریم. ولی دوست دارم جهانگردی کنم. از خدا می‌خواهم روزی برسد حرف شما بشود و ما جهان‌گرد شویم. شوهرم گاهی اسم کوچکم را می‌آورد و بعد می‌گفت خداوند روزی را بیاورد که کشور ما آرام باشد. برویم جاهای تاریخی و زیبای جهان را ببینیم، از ایران گرفته تا همه دنیا.

❖ من هم بیایم افغانستان شما رایک دل سیر بگیرم.

آجرا را خودم هم نشده یک دل سیر بگیرم و همه وطنم را ببینم. حرفش را زدیم دیگر، از وقتی به دنیا آمده‌ام جنگ بوده.

❖ امیدوار هستید که مناکرات صلح این روزها به جای خوبی برسد و من هم بیایم افغانستان مهمان شما شوم؟

ما همیشه امیدواریم، ناامیدی گناه است و الهی که نصیب دشمنان صلح و آرامش شود. ما همیشه امیدوار می‌مانیم و دعا می‌کنیم صلح بیاید. شما بیایید مهمان ما شوید و جبران کنیم سال‌ها مهمان نوازی ایرانی‌ها را.

❖ ما خیلی هم خوب نبوده‌ایم، این لطف و مهربانی شماست...

نه این‌طور هم نبوده. امیدوارم شرایط خوب شود، شما بیایید و ما جبران کنیم. ما همیشه دوست بوده‌ایم و الهی که دوست باشیم.

درباره یک عکس



نماینده سابق مجلس افغانستان معتقد است اگر سردار سلیمانی نبود شاه مسعود موفق نمی‌شد

۲ فرمانده در یک خط



عکس کمتر دیده‌شده‌ای هست که سردار ایرانی، حاج قاسم سلیمانی را در کنار شیر دره پنجشیر افغانستان یعنی احمد شاه‌مسعود نشان می‌دهد. شاید درباره آشنایی این دو فرمانده کمتر خوانده و شنیده باشیم اما نصراً... صادق زاده نیلی، نماینده سابق مردم ولایت دایکندی از ولایات مرکزی افغانستان در گفت‌وگویی که پس از شهادت سردار سلیمانی با خبرگزاری تسنیم داشت، به تأثیر متقابل عملکرد احمد شاه‌مسعود و سردار سلیمانی پرداخت. نیلی در گفت‌وگویش تأکید کرده: تنها کشوری که در سخت‌ترین شرایط، صادقانه در کنار مردم افغانستان ایستاد، جمهوری اسلامی ایران از طریق سپاه قدس بود. سپاه محمد هم که به وجود آمد، نیروی منظم، ورزیده و آموزش دیده‌ای بود که وضعیت جنگ را در افغانستان تغییر داد. این‌ها به هر منطقه‌ای که می‌رفتند، چون هم آموزش خوبی دیده‌بودند و هم پایبند به اخلاقیات بودند و هم مشی و سیاق خوبی داشتند، مورد استقبال مردم واقع می‌شدند. همین نیروها بعد از پیروزی مقاومت علیه تروریست‌ها، اغلب جذب حکومت شدند و با صداقت و راستی به مردم افغانستان خدمت می‌کنند.

این نماینده سابق مجلس افغانستان معتقد است اگر سردار سلیمانی نبود، نه احمدشاه مسعود موفق می‌شد و نه دیگران. او توضیح می‌دهد: برخلاف اتحاد جماهیرشوروی سابق و آمریکایی‌ها، جمهوری اسلامی ایران در دوران جهاد، بدون هیچ توقعی آمد و در کنار مردم افغانستان قرار گرفت. نیروهای ایرانی مثل مجاهدان افغان زندگی می‌کردند. نان خشک می‌خوردند و علیه اشغالگران می‌جنگیدند. وقتی که تروریست‌های زبادی از نقاط مختلف جهان به افغانستان آمدند و شما می‌دانید که چقدر ویرانی و بدبختی برای مردم به بارآوردند، در سخت‌ترین زمان‌ها که هیچ‌کس به داد مردم افغانستان نرسید، باز نیروهای قدس سپاه به فرماندهی حاج قاسم بود که آمد و در کنار مردم ایستاد. جمهوری اسلامی ایران در افغانستان نه پایگاه نظامی برای خود ایجاد کرد، نه جایی را به تصرف خود درآورد و نه در مسائل داخلی افغانستان دخالت کرد. مجاهدین بزرگی مثل احمدشاه مسعود یا دیگر فرماندهان جهادی مقاومت افغانستان، در شرایط سخت، تنها ملجا و پناه خود را نیروهای ایرانی می‌دانستند و من معتقدم اگر همکاری ایران و نیروی قدس نبود، نه احمد شاه‌مسعود موفق می‌شد نه آقای دوستم و نه اسماعیل خان و نه آقای محقق و نه دیگر چهره‌های عرصه جهاد افغانستان.

